



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



خَدِيجَه

پہنچنے والی اور رسول کی خدیجہ

پہنچنے والی اور رسول کی خدیجہ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خدیجه علیها السلام: همسر گرامی رسول خدا صلی الله علیه وآله

نویسنده:

حسین مرادی نسب

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	خدیجه علیهاالسلام: همسر گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۱۱	دیباچه
۱۳	مقدمه
۱۵	خاندان
۱۹	شخصیت و جایگاه
۲۳	ازدواج و فرزندان
۳۵	حضرت خدیجه پیش از بعثت
۳۹	همراهی با رسول خدا (ص)
۴۲	حضرت خدیجه و جریان زید بن حارثه
۴۴	افتخار کردن به حضرت خدیجه
۴۸	رحلت خدیجه (ع)
۵۶	درس‌هایی از زندگی حضرت خدیجه
۶۲	کتاب‌شناسی حضرت خدیجه
۶۴	کتابنامه
۶۹	درباره مرکز

فدیجه علیها السلام: همسر گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله

مشخصات کتاب

- سرشناسه: مرادی نسب، حسین، ۱۳۳۸ -
 عنوان و نام پدید آور: فدیجه علیها السلام: همسر گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله / حسین مرادی نسب: تدوین مرکز تحقیقات حج.
 مشخصات نشر: تهران: مشعر، ۱۳۸۹.
 مشخصات ظاهری: ۶۵ ص.؛ ۱۹/۵×۹ س.م.
 فروست: زنان اسوه؛ ۴.
 شابک: ۶۵۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۲۶۱-۵:
 وضعیت فهرست نویسی: فاپا
 یادداشت: چاپ سوم: بهار ۱۳۹۱.
 یادداشت: کتابنامه: ص. [۶۱] - ۶۵.
 موضوع: فدیجه (س) بنت خویلد، ۶۸ - ۳ قبل از هجرت.
 شناسه افزوده: حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت. مرکز تحقیقات حج
 رده بندی کنگره: ۲/۲۶۲/م/۴۴۴ خ ۴ ۱۳۸۹
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۷۲۲
 شماره کتابشناسی ملی: ۲۱۰۵۶۲۰
 ص: ۱

اشاره

دبیاچه

ص: ۶

سعادت واقعی انسان و شرط پویایی جوامع بشری در سایه شناخت و کارآمد کردن سیره اولیای الهی است. پر آشکار است که سیره اولیای الهی به ویژه اهل بیت خاندان وحی (علیهم السلام) به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های تربیتی و اساسی‌ترین مؤلفه در فرهنگ اسلامی است. شناخت واقعیت‌های زندگی آنان و بهره‌گیری از روش و منش و رفتار و گفتارشان می‌تواند زمینه‌های تعالی و سعادت واقعی انسان را فراهم سازد، از این رو پژوهش در آثار اولیای الهی به ویژه جست‌وجو در احوال خاندان پاک نبوت که در دامان پر مهر آنان کامل‌ترین انسان‌ها پرورش یافته‌اند به منظور الگوگیری از آنان ضرورت انکارناپذیر مراکز پژوهشی است.

گروه تاریخ و سیره مرکز تحقیقات حج در راستای

ص: ۷

ایفای رسالت خود برای ترویج فرهنگ اصیل اهل بیت (علیهم السلام) دست به انتشار شرح حال عده‌ای از مردان و زنان انسان‌ساز زده است که از جمله آنان شرح حال حضرت خدیجه کبری (س) همسر گرامی و فداکار رسول خدا (ص) و مادر صدیقه طاهره (س) است.

در پایان مرکز تحقیقات لازم می‌داند که از تلاش پژوهشگر محترم آقای حسین مرادی نسب (عضو گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه) و همه کسانی که در به ثمر رسیدن این اثر تلاش نموده‌اند، سپاسگزاری نماید.

انه ولی التوفیق

مرکز تحقیقات حج

گروه تاریخ و سیره

ص: ۸

مقدمه

حضرت خدیجه از زنان برجسته تاریخ دوران جاهلیت و بعثت بود که توانست بر قله‌های بلند انسانیت و معنویت پای بگذارد. او با گذشتن از مال و ثروتش و با راندن خواستگاران توان‌گر روزگار خود، ایثار و فداکاری را به مسلمانان آموخت. حضرت خدیجه پس از شناخت حضرت محمد (ص)، ایشان را به همسری خود برگزید و حضرت خدیجه نیز همه زندگی‌اش را در راه تحقق هدف‌های همسرش به کار بست.

حضرت خدیجه، نخستین کس از ایمان‌آوردگان به رسول خدا (ص) بود و از همین روی در جایگاه یکی از زنان برتر بهشت و برگزیده نشست. رحلت او، بار اندوه سنگینی بر شانه‌های رسول خدا نهاد و تنها یاد فداکاری‌های همسرش می‌توانست به او آرامش دهد.

ص: ۹

رسول خدا با دیدن دوستان خدیجه (س) یا هنگامی که سخنی از او در میان می‌آمد، از او به نیکی یاد می‌کرد و خاطره فداکاری‌های او را در یاد می‌آورد. حضرت خدیجه (س) و دختر گرامی‌اش، حضرت صدیقه طاهره (س) بهترین الگوی زنان مسلمان در زمینه‌های گوناگون مانند ازدواج، صبر، فداکاری، تربیت فرزند و ده‌ها خصلت پسندیده دیگرند. از این رو، مسلمانان با پیروی از چنین الگوهایی، می‌توانند به کمال انسانیت و معنویت دست یابند و در کنار همسران با ایمانشان، همواره قله‌های بلند انسانیت را درنوردند، رنگی خدایی به زندگی خود بدهند و به پرورش فرزندان سرنوشت‌ساز و تأثیرگذار پردازند.

ص: ۱۰

خاندان

حضرت خدیجه (س)، فرزند «خویند بن اسد بن عبدالعزی بن قصی بن کلاب» از قبیله «قریش» (۱) و «عبدالعزی» برادر «عبد مناف» بود. پدر آن دو به «قصی بن کلاب» نسب می‌برد و تبار جد مشترک رسول خدا (ص) با چهار واسطه و حضرت خدیجه با سه واسطه به «قصی بن کلاب» می‌رسید. «خویند»، پدر خدیجه در برابر «تُبَّع» ایستاد؛ زیرا آنان می‌خواستند حجرا لاسود را با خود به «یمن» ببرند.

«ابن اسحاق» در کتاب سیره‌اش می‌نویسد: گروهی از قریشیان نزد خویند آمدند و به او گفتند «تبع» قصد دارد حجرا لاسود را همراه خود به یمن ببرد. خویند

۱- جمهره انساب العرب، ابن حزم، ص ۱۲۰؛ الانساب، سمعانی، ج ۱، ص ۲۱۵.

ص: ۱۱

گفت: «مرگ، نیکوتر از این است». او شمشیر برداشت و قریشیان نیز شمشیر برداشتند و با او به راه افتادند و نزد «تُبَّع» آمدند و گفتند شما را با رکن حجر چه کار؟ او گفت: «می‌خواهم آن را برای قومم ببرم». قریش گفتند: «مرگ نزدیک‌تر از این است». سپس نزد رکن آمدند و میان رکن و تُبَّع حائل شدند. خویلد در این باره شعری گفت: «مرا سرزنش نکنید تا نزد بیت با آنان بجنگم؛ زیرا عذری ندارم و شمشیر در نزدم است».

ایستادگی خویلد و یارانش، تُبَّع را به وحشت انداخت. او پس از این واقعه در خواب دید که آنان او را لعنت و به هلاکت تهدیدش می‌کنند. پدر خویلد (جد حضرت خدیجه) در روزگار جاهلیت در جنگ فجار کشته شد. (۱) مادر حضرت خدیجه، «فاطمه بنت زائد» بود (۲) که نسبش به «عامر بن لؤی» می‌رسید. از این رو، پدر و مادر حضرت خدیجه از خانواده‌های اصیل قریش و در حسب و نسب، از برترین افراد آن دوران به شمار می‌آمدند.

۱- تاریخ یعقوبی، یعقوبی، ج ۲، ص ۲۱.

۲- المعبر، محمد بن حبیب، ص ۷۷؛ المعارف، ابن قتیبه، ص ۲۱۹؛ انساب الاشراف، بلاذری، ج ۲، ص ۲۳.

ص: ۱۲

«نوفل»، «حزام» و «عوام» (۱)، برادران حضرت خدیجه و «هاله»، «رفیقه» و «ام امیمه بنت بجاد» (۲) خواهران او بودند، اما «نوفل» که او را «اسد قریش» یا «اسد المطیبین» می‌خواندند، در جنگ بدر به دست علی (ع) یا برادرزاده‌اش «زبیر» کشته شد. (۳) نوفل، فرزندی به نام «ورقه» داشت و «عوام» برادر دیگر حضرت خدیجه و پدر زبیر (۴)، در جنگ فجار کشته شد. (۵) «حزام»، برادر دیگر خدیجه بود که فرزندش «حکیم بن حزام» از یاران رسول خدا (ص) به شمار می‌رفت و از معمرین خوانده شده است؛ زیرا او شصت سال در دوران جاهلیت و شصت سال در روزگار اسلام زیست. «دارالندوه» از املاک او بود که بعدها آن را به معاویه فروخت. (۶)

۱- المعارف، ص ۲۱۹؛ جمهره انساب العرب، ص ۱۲۰.

۲- جمهره انساب العرب، ص ۱۲۰.

۳- همان.

۴- همان، ص ۱۲۱.

۵- البدء و التاريخ، مقدسی، ج ۵، ص ۸۳.

۶- جمهره انساب العرب، ص ۱۲۱.

ص: ۱۴

شخصیت و جایگاه

مردم مکه حضرت خدیجه را می‌شناختند و او نزد قریش از جایگاه بلندی برخوردار بود و بانویی شریف، ثروت‌مند، بازرگان و تاجر (۱)، خردمند، آگاه و باهوش زمان خود به شمار می‌رفت. (۲) خداوند به او خیر و کرامت بخشید و از این رو، در حسب و نسب نیز از برترین افراد دوره خود شمرده می‌شد. (۳) وی نخستین زنی بود که به رسول خدا (ص) ایمان آورد (۴) و پشت سر آن حضرت در مسجدالحرام نماز خواند (۵) و بعدها «ام المؤمنین» (۶) لقب گرفت و از این

- ۱- السیره النبویه، ابن هشام، ج ۱، ص ۱۹۹؛ الطبقات الکبری، ابن سعد، ج ۸، ص ۱۳.
- ۲- انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۰۸؛ الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۰۵.
- ۳- الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۰۵.
- ۴- المحبر، ص ۴۰۸؛ الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۴؛ ج ۳، ص ۱۶.
- ۵- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۵.
- ۶- جمهره انساب الاشراف، ص ۱۲۰؛ اسدالغابه، ج ۶، ص ۷۸.

ص: ۱۵

افتخار بزرگ برخوردار شد و این لقب برای او جاودانه ماند. حضرت خدیجه (س) را (در کنار حضرت مریم (س) و حضرت فاطمه (س)) از بهترین زنان دنیا (۱) شمرده‌اند. رسول خدا (ص) فرمود: «خَيْرُ نِسَائِهَا، مَرِيْمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ خَدِيْجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ (۲) وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ». (۳) وی از برگزیدگان زنان نزد خداوند (۴) و برترین زنان بهشت به شمار آمده است. (۵) رسول خدا (ص) در این باره فرمود: «سَيِّدَةُ نِسَاءِ اَهْلِ الْجَنَّةِ، مَرِيْمُ بِنْتُ عِمْرَانَ، ثُمَّ فَاطِمَةُ، ثُمَّ خَدِيْجَةُ، ثُمَّ اَسِيَّةُ امْرَاةُ فِرْعَوْنَ». (۶) به هر روی، کسی به سیده قریش ملقب می‌شود که از کمال انسانی برخوردار باشد و ثروت و مال صفات پسندیده او را از میان نبرد. پی‌آمد چنین

- ۱- صحیح بخاری، محمد بن اسماعیل، ج ۴، ص ۲۷۸؛ انساب الاشراف، ج ۲، ص ۳۵.
- ۲- صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۳۸؛ مسند احمد، احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۸۴؛ الآحاد و المثانی، ابن ابی عاصم، ج ۵، ص ۳۸۰.
- ۳- «بهترین زنان دنیا مریم دختر عمران، خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر محمد هستند». ابن بطریق، ص ۵۸.
- ۴- الخصال، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۲۲۵.
- ۵- الاستیعاب، ابن عبدالبر، ج ۴، ص ۳۸۲؛ الخصال، ج ۱، ص ۲۰۶.
- ۶- «سرور زنان بهشت مریم دختر عمران، فاطمه، خدیجه و آسیه همسر فرعون هستند». الآحاد و المثانی، ج ۵، ص ۳۶۴؛ المعجم الکبیر، طبرانی، ج ۱۱، ص ۲۶۶؛ السنن، نسائی، ج ۵، ص ۹۳.

ص: ۱۶

خصالی، بهره‌مندی از روحی پاک و بزرگ است. خدیجه نخستین زنی بود که رسول خدا (ص) با او ازدواج کرد. (۱) مقام حضرت خدیجه به قدری والا بود که هنگام فرود آمدن جبرئیل بر رسول خدا (ص)، نزد آن حضرت بود و جبرئیل سلام خداوند را به خدیجه رساند و او این سلام را پاسخ گفت (۲):

أَنَّ جِبْرَائِيلَ (ع) أَتَى رَسُولَ اللَّهِ (ص) فَقَالَ: اقْرِي خَدِيجَةَ السَّلَامِ مِنْ رَبِّهَا، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): يَا خَدِيجَةُ! هَذَا جِبْرَائِيلُ يُقْرِئُكَ السَّلَامَ مِنْ رَبِّكَ، فَقَالَتْ خَدِيجَةُ: اللَّهُ السَّلَامُ وَمِنْهُ السَّلَامُ وَعَلَى جِبْرَائِيلَ السَّلَامُ.

جبرئیل نزد رسول خدا (ص) آمد و فرمود از طرف خداوند به خدیجه سلام می‌رسانم. آن حضرت فرمود: ای خدیجه! این جبرئیل است که از طرف خداوند سلام می‌رساند. خدیجه فرمود: خداوند - تعالی - خود سلام است، سلام از اوست و بر جبرئیل نیز سلام باد.

این روایت و روایاتی مانند آن از رسول خدا (ص)، بر برخورداری خدیجه از شخصیتی والا و عظمت

۱- مروج الذهب، مسعودی، ج ۳، ص ۲۸۳؛ الانباء فی تاریخ الخلفاء، ابن عمرانی، ص ۴۷.

۲- المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۲۰۶.

ص: ۱۷

روحي آن بانوي بزرگوار دلالت مي‌کند.

کنيه خديجه «ابوهند» بود (۱) و در دوران جاهليت به سبب طهارت و پاکی روح و جسمش، او را «طاهره» مي‌خواندند (۲). اين لقب نیز فضيلت، پاک‌دامنی و درستی او را در کارهايش نشان مي‌دهد. او هرگز با زنان شهوت‌ران نشست و همیشه بر اثر بهره‌مندی‌اش از آن روح پاک و بلند، از اين زنان بيزاری مي‌جست و با آنان سخن نمی‌گفت.

گفته‌اند که او پانزده سال پيش از حادثه عام القيل زاده شد (۳) و در سال دهم بعثت درگذشت و آن سال، «عام الحزن» خوانده شد.

(۴)

۱- الطبقات الكبرى، ج ۸، ص ۱۳.

۲- الاستيعاب، ج ۴، ص ۳۷۹؛ تاريخ مدینه دمشق، ابن عساکر، ج ۳، ص ۱۳۱؛ اسدالغابه، ج ۷، ص ۸۰، السیره الحلبیه، حلبی، ج ۱، ص ۲۲۳.

۳- الطبقات الكبرى، ج ۸، ص ۱۳.

۴- مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۱۵۰؛ الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۱۰۱؛ اعلام الوری، طبرسی، ج ۱، ص ۵۳. بنابراین، شاید او کمابیش در ۶۵ سالگی در گذشته باشد.

ص: ۱۸

ازدواج و فرزندان

گفته‌اند که خدیجه، نامزد پسر عمویش، «ورقه بن نوفل بن اسد» بود، اما به دلایلی نامعلوم با یکدیگر ازدواج نکردند. (۱) تا اینکه خدیجه به همسری «ابوهاله»، «نباش بن زرارۀ بن وقدان» درآمد و از او دارای فرزندی به نام «هند» و «هاله» شد. «نباش»، شرافت و منزلتی نزد قوم خود داشت و در مکه می‌زیست. او با خاندان «عبدالدار بن قصی» هم‌پیمان شد و قریش با هم‌پیمانان خود ازدواج می‌کردند. (۲) هند، از فرزندان حضرت خدیجه، در جنگ جمل به شهادت رسید. برخی نیز می‌گویند وی در جنگ بدر یا جنگ احد به شهادت رسید. (۳)

۱- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۱.

۲- همان.

۳- امتاع الاسماع، ج ۶، ص ۳۷.

ص: ۱۹

همچنین فرزند دیگری به نام حارث از «ابوهاله» و «خدیده» برشمرده‌اند. «حارث» پس از بعثت رسول خدا (ص) در خانه خدیجه بود و اسلام آورد و پیوسته اسلامش را آشکارا می‌ساخت. گفته‌اند که او نخستین نمازگزار نزد رکن یمانی بوده است. روزی حارث میان گروهی از قریش نشسته بود و آنان درباره رسول خدا (ص) چیزهایی گفتند که او را خوش نمی‌آمد و از این رو، خشمگین شد و نزاعی میان او و مردی از نادانان قریش در گرفت و آن مرد به اندازه‌ای به شکم حارث زد تا اینکه بی‌هوش شد و درگذشت. (۱) حضرت خدیجه پس از مرگ شوهرش ابوهاله، با «عتیق بن عابد» ازدواج کرد (۲) و دختری به نام «هند» به دنیا آورد. (۳) هند با «صیفی بن امیه» ازدواج کرد و فرزندی به نام «محمد» به دنیا آورد. فرزندان و نوادگان محمد را به پاس حضرت خدیجه، «بنی طاهره» می‌خواندند. (۴) هند همواره به مادرش خدیجه افتخار می‌کرد و پیوسته می‌گفت:

۱- انساب الاشراف، ج ۱۳، ص ۶۷.

۲- المعبر، صص ۷۹ و ۴۵۲.

۳- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۱.

۴- المعبر، ص ۷۹؛ الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۲.

ص: ۲۰

من گرامی‌ترین مردم از [دید انتساب به این] پدر و مادر و برادر و خواهرم؛ پدرم رسول خدا (ص)، مادرم حضرت خدیجه، خواهرم فاطمه (س) و برادرم قاسم است. (۱) برخی از مورخان، نخستین شوی خدیجه را «عتیق بن عابد» و بعد از او «ابوهاله» را شوهر وی دانسته‌اند (۲)، اما بر پایه شماری از منابع، حضرت خدیجه پیش از ازدواجش با رسول خدا (ص)، به همسری کسی در نیامده بود (۳) و فرزندی را که برای آن حضرت شمرده‌اند، به خواهرش منسوبند. (۴) البته ادعای باکره بودن حضرت خدیجه (س) هنگام ازدواج با رسول خدا، با گزارش‌های تاریخی درباره ازدواج‌های پیشین آن حضرت ناسازگار است. هنگامی که رسول خدا (ص) از کاروان تجاری شام بازمی‌گشت و به مکه می‌آمد، حضرت خدیجه مجذوب معنویت او شد و به وی دل بست. خدیجه از دید نسب و مال، برترین مردمان قریش بود و از این رو، بسیاری از آنان خواستار ازدواج با او بودند،

۱- انساب الاشراف، ج ۱۳، ص ۶۶.

۲- تاریخ الطبری، طبری، ج ۳، ص ۱۶۱؛ ج ۱۱، ص ۵۹۳.

۳- مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۱۳۸.

۴- الصحيح من سیره النبى الأعظم، سید جعفر عاملی، ج ۲، ص ۱۲۲.

ص: ۲۱

اما او خواستگاران خود را نمی‌پذیرفت تا اینکه با رسول خدا آشنا و دلداده شخصیت آن حضرت شد.

«نفیسه بنت منیه» می‌گوید: پس از اینکه رسول خدا از شام بازگشت، خدیجه مرا پنهانی به سوی پیامبر (ص) فرستاد. من به او گفتم: «ای محمد! چه چیزی مانع ازدواج تو شده است؟» فرمود: «در دستم مالی برای ازدواج نیست». گفتم: «اگر تو را به سوی برترین کس در جمال، مال، شرف و هم‌تایی (کفویت) بخوانم، دعوتم را می‌پذیری». فرمود: «او چه کسی است؟» گفتم: «خدیجه و این کار را برایت به سرانجام می‌رسانم».

به خدیجه خبر دادم و زمانی را معین کردم. (۱) رسول خدا (ص) این پیشنهاد را پذیرفت (۲) و حضرت خدیجه همراه با عمویش «عمرو بن اسد» که از بزرگان بود و رسول خدا (ص) همراه با عمویش «ابوطالب» (۳) و «حمزه» (۴) و بزرگان قوم، حاضر شدند. (۵) خطبه عقد آن دو را حضرت ابوطالب (ع)

۱- امتاع الاسماع، مقریزی، ج ۶، ص ۳۰.

۲- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۳.

۳- المجبر، ص ۷۸.

۴- السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۰۱.

۵- الانباء فی تاریخ الخلفاء، ص ۴۵.

ص: ۲۲

خواند (۱) و خدیجه دستور داد که گوسفندی را ذبح و با آن طعامی درست کنند. او در این هنگام چهل سال داشت و رسول خدا (ص) بیست (۲) یا ۲۵ (۳) یا سی ساله بود. (۴) خطبه عقد حضرت ابوطالب چنین است:

خدای را سپاس که ما را از نسل ابراهیم و فرزندان اسماعیل قرار داد و برای ما کعبه را حرم امن قرار داد و ما را بر مردم سروری داد و شهر ما را که در آن هستیم، مبارک ساخت سپس به راستی برادر زاده‌ام محمد بن عبدالله اگر چه از مال تهی دست است، با هیچ مردی از قریش سنجیده نمی‌شود؛ جز آنکه بر او فزون آید و با احدی قیاس نشود؛ مگر آنکه از او بزرگ‌تر باشد؛ چه آنکه مال مایه زوال و نابودی است. او خواستار خدیجه و خدیجه خواستار اوست. مهر او آنچه بخواهید نقد از مال من است و به خدا قسم او را امری بزرگ است.

پس از ابوطالب، عموی خدیجه «عمرو بن اسد» گفت:

۱- المحبر، ص ۷۸.

۲- انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۰۸.

۳- السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۹۸؛ الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۳.

۴- تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۰.

ص: ۲۳

ای گروه قریش گواه باشید که من خدیجه را به عقد محمد در آوردم و این ازدواج فرخنده‌ای است که هرگز سست نشود. (۱)

سپس حضرت ابوطالب حله‌ای را بر سر خدیجه انداخت. قبول آن حله به معنای پذیرش ازدواج (۲) و مهریه ایشان دوازده اوقیه (چهل درهم) بود. (۳) عموی حضرت خدیجه، عمرو بن اسد پس از مدت کوتاهی از ازدواج خدیجه با رسول خدا (ص) درگذشت. (۴) روایات ساختگی در مخالفت پدر حضرت خدیجه با ازدواج او با رسول خدا (ص) نقل شده است (۵) که با توجه به درگذشت او پیش از بعثت در بطلان آنها شکی نیست. رسول خدا (ص) تا زمانی که حضرت خدیجه زنده بود، با هیچ کسی ازدواج نکرد (۶)، زیرا او را در میان زنان آن روزگار هم کفو خود و از جاذبه‌های معنوی و شایستگی‌های فردی برخوردار می‌دانست.

بر پایه برخی از روایات، خدیجه با ازدواج با پیامبر

۱- تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۰.

۲- امتاع الاسماع، ج ۶، ص ۳۱.

۳- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۴.

۴- انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۰۸.

۵- الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۰۶.

۶- الانباء فی تاریخ الخلفاء، ص ۴۷؛ التعریف و الاعلام، عبدالرحمن سهیلی، ص ۲۵۷.

ص: ۲۴

دارای شش یا هفت یا هشت فرزند شد که روایت معروف در این باره بر شش فرزند دلالت می‌کند. عده‌ای معتقدند برخی از این فرزندان از شوهران قبلی خدیجه بوده‌اند. گرچه برخی از محققان این را رد کرده و نپذیرفته و آنان را خواهرزادگان خدیجه دانسته‌اند که نزد او زندگی می‌کردند. وقتی خدیجه با رسول خدا (ص) ازدواج کرد، آنان هم به همراه خدیجه به خانه رسول خدا (ص) آمدند و آنان را از فرزندان حضرت شمردند در حالی که فرزندان ایشان نبودند.

نام نخستین فرزند حضرت خدیجه «قاسم» بود که پیش از بعثت به دنیا آمد و در دوسالگی (۱) و بنا بر نقلی در چهارسالگی درگذشت. (۲) کنیه «ابوالقاسم» برای پیامبر برگرفته از نام این فرزند است. (۳) فرزندان دیگر حضرت خدیجه، زینب، رقیه، ام کلثوم، فاطمه (س) و عبدالله بودند. عبدالله در یک ماهگی درگذشت و خدیجه درباره‌اش فرمود: «ای کاش زنده می‌ماند تا او را از شیر می‌گرفتم». (۴) پیامبر فرمود: «برای او در بهشت شیردهنده‌ای

۱- الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۰۶.

۲- تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۲.

۳- الاستیعاب، ج ۴، ص ۳۷۹.

۴- تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۲.

ص: ۲۵

است که دوران شیرخوارگی او را کامل می‌کند». (۱) عبدالله پس از بعثت (در دوره اسلام) متولد شد و از این رو، او را «طیب» یا «طاهر» می‌نامیدند. (۲) آنانی که شمار فرزندان را هفت نفر ذکر کرده‌اند، عبدالله را کسی جز طیب؛ یعنی همان طاهر دانسته‌اند (۳)، کسانی طاهر را نیز فرزند دیگر آن حضرت می‌دانند و به همین سبب او را ابوطاهر می‌خوانند (۴)، اما کسانی که هشت فرزند برای پیامبر برمی‌شمرند، فرزند دیگری به نام عبدمناف که پیش از بعثت به دنیا آمد، به او نسبت می‌دهند. (۵) باری، فاطمه زهرا (س)، تنها یادگار رسول خدا (ص) و حضرت خدیجه بود که خداوند نسل امامت را به وی ارزانی کرد. امام صادق (ع) درباره چگونگی ولادت فاطمه زهرا (س) می‌گوید: زمانی که خدیجه با رسول خدا (ص) ازدواج کرد، زنان قریش خدیجه را به سبب این ازدواج ترک کردند و با او هم‌نشین

۱- البدایة و النهایة، ابن کثیر، ج ۲، ص ۲۹۵.

۲- الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۰۶؛ ج ۳، ص ۵.

۳- تاریخ الائمة، کاتب بغدادی، ص ۱۵؛ الهدایة الکبری، خصیبی، ص ۱۳۹ الانباء فی تاریخ الخلفاء، ص ۴۵.

۴- البدء و التاریخ، مقدسی، ج ۵، ص ۱۶.

۵- البدء و التاریخ، ج ۵، ص ۱۶.

ص: ۲۶

نمی‌شدند و سخن نمی‌گفتند. حضرت خدیجه غمگین شد، اما فاطمه در شکم او با وی سخن می‌گفت. روزی رسول خدا (ص) به خانه آمد و شنید که خدیجه با کسی سخن می‌گوید. فرمود: «ای خدیجه! با که سخن می‌گویی؟» گفت: «با جنینی که در شکم دارم. او با من سخن می‌گوید و مونس من است». فرمود: «ای خدیجه! جبرئیل درباره این دختر مرا بشارت داد و گفت: نسل پاک تو از اوست و نسل ائمه (علیهم السلام) از او پدید می‌آید». هنگام زایمان خدیجه فرا رسید و آن حضرت غمگین بود که ناگاه چهار زن نزد او آمدند. یکی از آنان گفت: «غمگین نباش که ما خواهران توایم؛ من ساره‌ام، این آسیه بنت عمران و ... است». سپس آن حضرت فاطمه را به دنیا آورد. (۱) «سلمی»، کنیز «صفیه بنت عبدالمطلب» در همه زایمان‌های حضرت خدیجه، مامای او بود. (۲) خدیجه برای هر فرزند پسر که به دنیا می‌آورد، دو گوسفند و برای فرزند دختر، یک گوسفند عقیقه می‌کرد. فاصله تولد میان فرزندانش یک سال بود و پیش از تولد

۱- الخرائج و الجرائح، قطب الدین راوندی، ج ۲، ص ۵۲۵.

۲- الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۰۷؛ ج ۸، ص ۱۸۱.

ص: ۲۷

فرزندانش برای آنان دایه‌ای برمی‌گزید. (۱) او و همه دخترانش، به نبوت رسول خدا (ص)، ایمان آوردند و او را تصدیق کردند. (۲) «زینب» پیش از بعثت پیامبر، با «ابوالعاص بن ربیع» ازدواج کرد و او در جنگ بدر اسیر شد و زینب برای آزادی‌اش، پول و گردن‌بند مادرش خدیجه را فرستاد. رسول خدا (ص) آن گردن‌بند را شناخت و فرمود: «اگر می‌خواهید او را آزاد کنید و اموالش را به او بازگردانید». (۳) او (ابوالعاص) از زینب دو فرزند به نام‌های «علی» و «امامه» داشت. (۴) امیرمؤمنان پس از شهادت حضرت فاطمه زهرا (س) با امامه، دختر زینب ازدواج کرد. (۵) «هاله»، مادر «ابوالعاص» و خواهر حضرت خدیجه بود؛ یعنی خدیجه خاله ابوالعاص به شمار می‌رفت. (۶) ابوالعاص از مردان ثروتمند و امین و از تاجران مکه بود و حضرت خدیجه از رسول خدا (ص) خواست که او را به دامادی بگیرد و آن حضرت در چنین

۱- الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۰۷.

۲- انساب الاشراف، ج ۲، ص ۲۴؛ تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۴۶۷.

۳- المغازی، واقعی، ج ۱، صص ۱۳۰-۱۳۱؛ المعجم الکبیر، طبرانی، ج ۲۲، ص ۴۲۸.

۴- جمهره انساب العرب، ص ۱۷.

۵- انساب الاشراف، ج ۲، ص ۲۷؛ تاریخ الائمه، ص ۱۵؛ الهدایه الکبری، ص ۳۹.

۶- السیره النبویه، ج ۲، ص ۳۰۶.

ص: ۲۸

پیشنهادها با خدیجه مخالفت نمی کرد. (۱) از این رو، خواسته خدیجه را برآورد و دخترش زینب را به ابوالعاص داد. خدیجه خواهرزاده خود را همچون فرزندش دوست می داشت و مانند فرزندانش با او رفتار می کرد. پس از اینکه رسول خدا (ص) به نبوت برگزیده شد، حضرت خدیجه و دخترانش به وی ایمان آوردند، اما ابوالعاص از ایمان آوردن سرتابید. (۲) حتی قریش بر ابوالعاص، «عتبه» و «شیهه» فشار آورد که دختران آن حضرت را طلاق دهند. قریشیان به آن دو گفتند: «شما هر کسی را برگزینید، او را به عقدتان درمی آوریم». عتبه این پیشنهاد را پذیرفت، اما ابوالعاص گفت: «همسر من با هیچ زنی از قریش برابری نمی کند» و رسول خدا (ص) او را ستود.

هنگامی که زینب اسلام آورد، می بایست از همسرش جدا می شد، اما رسول خدا (ص) در آن هنگام در مکه قدرت نداشت و نمی توانست این کار را به سرانجام برساند و وضع بر همان شیوه ماند تا اینکه ابوالعاص در روز بدر اسیر شد (۳) و پس از اینکه رسول خدا (ص) فدیة او را بازگرداند، از وی پیمان گرفت که دخترش زینب را

۱- المعجم الكبير، ج ۲۲، ص ۴۲۶.

۲- انساب الاشراف، ج ۲، ص ۲۳؛ السیره النبویه، ج ۲، ص ۳۰۶.

۳- السیره النبویه، ج ۲، ص ۳۰۷.

ص: ۲۹

به مدینه بفرستد. ابوالعاص نیز بر پایه این عهد زینب را به مدینه فرستاد. (۱) ابوالعاص در سال هفتم بعثت اسلام آورد و رسول خدا (ص) زینب را با عقد و مهر جدید به ازدواج او درآورد. (۲) حضرت فاطمه زهرا (س) تنها دختر خدیجه از رسول خدا (ص) بود که با علی (ع) ازدواج کرد و ۷۵ یا ۹۵ روز پس از رحلت رسول خدا (ص) به شهادت رسید و بر پایه وصیت آن حضرت، وی را شبانه دفن کردند تا کسی مدفن او را نیابد.

خانه حضرت خدیجه، همان خانه‌وی در مکه بود که با رسول خدا (ص) در آن می‌زیست و همه فرزندان خدیجه در آنجا به دنیا آمدند و رسول خدا (ص) پس از رحلت حضرت خدیجه تا پیش از هجرتش به مدینه در آن خانه ساکن بود؛ سپس آن خانه به عقیل بن ابی طالب سپرده شد (۳) و بعدها معاویه آن را خرید و به مسجد بدل کرد. (۴)

۱- السیره النبویه، ج ۲، ص ۳۰۸؛ المعجم الکبیر، ج ۲۲، ص ۴۲۸.

۲- انساب الاشراف، ج ۲، ص ۲۶.

۳- اخبار مکه، ازرقی، ج ۲، ص ۱۹۹.

۴- امتاع الاسماع، ج ۶، ص ۳۱؛ اخبار مکه، ج ۲، ص ۱۹۹.

ص: ۳۰

حضرت خدیجه پیش از بعثت

وی بانویی ثروتمند، و تجارت‌پیشه بود و از این راه درآمد خوبی داشت و از همین روی، اموالش را در قالب مضاربه به مردان می‌سپرد تا آنان نیز از این راه درآمد حلالی به دست آورند. هنگامی که رسول خدا (ص) در مکه به «امین» شهرت یافت (۱)، و راست‌گویی، امانت‌داری و اخلاق نیکوی او (۲) سبب شد که خدیجه برای او پیغام بفرستد و از وی بخواهد که همراه غلامش میسره، کاروان بازرگانی او را تا شام همراهی کند. خدیجه به محمد (ص) گفت: «دو برابر آنچه را که به دیگران پرداخت می‌کنم، به شما می‌پردازم».

حضرت محمد (ص) این کار را پذیرفت و آن کاروان

۱- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۳.

۲- البدایه و النهایه، ج ۲، ص ۲۹۴.

ص: ۳۱

را همراهی کرد و با داد و ستدهای خود، کاروان را از سود سرشاری بهره‌مند ساخت. حضرت خدیجه بر پایه وعده خود، دو برابر آنچه را به دست آورده بود، به آن حضرت پرداخت. (۱) بنا بر گزارشی، هنگامی که محمد (ص) بیست ساله شد، حضرت ابوطالب فرمود: «ای برادر زاده! حضرت خدیجه زنی ثروتمند و تاجر است و به کسی امانت‌دار و پاک‌دامن همچون تو نیاز دارد. به من و کالت می‌دهی که با خدیجه درباره تجارت و برخی از دیگر کارها سخن بگویم».

آن حضرت فرمود: «آنچه را صلاح می‌دانی، همان را به سامان رسان». حضرت ابوطالب برای و کالت حضرت محمد (ص) در برخی از کارهای تجاری با خدیجه سخن گفت و او پذیرفت و آن حضرت را همراه با غلامش «میسره» برای تجارت به شام فرستاد. میسره درباره دیدنی‌های خود در راه این سفر و گفته راهب درباره آن حضرت و سود به دست آمده از تجارت و از پاکی و امانت محمد با خدیجه سخن گفت و افزود: «هنگامی که با او غذا می‌خوردم، سیر می‌شدم و غذایی بیشتر از آن نیز می‌ماند». (۲)

۱- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۳.

۲- انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۰۷.

ص: ۳۲

«حلیمه سعدیه»، دایه رسول خدا (ص) پس از ازدواج آن حضرت با خدیجه، نزد او آمد و آن حضرت وی را پاس داشت. حلیمه از خشک‌سالی و هلاکت چهارپایش شکایت کرد. رسول خدا (ص) با خدیجه در این باره سخن گفت و آن حضرت چهل گوسفند و یک شتر بارکش (هودج دار) به او داد و با نیکی او را به خانواده‌اش بازگرداند. (۱) همچنین «ثویبه»، دایه آن حضرت پس از ازدواج رسول خدا (ص) با خدیجه پیش او رفت و آن حضرت به وی نیکی کرد و او را گرمی داشت. خدیجه نیز او را اکرام کرد و از «ابولهب»، عموی آن حضرت خواست تا ثویبه را به او بفروشد تا پس از آن آزادش کند، اما ابولهب این پیشنهاد را نپذیرفت و از فروختن وی به خدیجه سرباز زد. (۲)

۱- انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۰۵.

۲- همان، ص ۱۰۶.

همراهی با رسول خدا (ص)

خدیدجه همسری مهربان و دل‌سوز برای پیامبر و در همه روی دادها با وی هم‌گام و همراه بود. هنگامی که آن حضرت برای عبادت به کوه حرا می‌رفت تا به راز و نیاز با خداوند پردازد، خدیدجه هرگز با رفتنش مخالفت نمی‌کرد و پیوسته یاور و پشتیبان او بود. حتی هنگامی که آن حضرت در غار حرا به سر می‌برد، بدون آنکه با مخالفت خدیدجه روبه‌رو شود با برداشتن توشه غذای خود، به غار بازمی‌گشت. (۱) هنگامی که خداوند حضرت محمد (ص) را در غار حرا به رسالت برگزید، خدیدجه نخستین کس از زنان بود که به وی ایمان آورد و حتی پذیرفت که همه دارایی خود را در راه پیشبرد اسلام به رسول خدا (ص) بدهد. هنگامی که مشرکان مکه هم‌پیمان شدند تا بر بنی‌هاشم؛ یعنی حامیان و مدافعان رسول خدا (ص) فشار آورند و بر این شدند که بنی‌هاشم را در شعب ابی‌طالب محصور کنند، «ابوجهل» از رساندن خوراک و آذوقه بدان شعب جلوگیری می‌کرد. حضرت خدیدجه، «زمعه بن اسود» را نزد ابوجهل فرستاد تا با او سخن بگوید و او را از این کار باز دارد، اما ابوجهل به سخنان او اعتنا نمی‌کرد تا اینکه «حکیم بن حزام» یک بار شتر از آرد برای خدیدجه به شعب فرستاد. (۲) بر پایه گزارشی، ابوجهل، حکیم بن حزام را با غلامش دید که چندی گندم همراه خود دارد و به شعب می‌برد. ابوجهل گفت: «آیا برای بنی‌هاشم آذوقه می‌بری؟ به خدا سوگند نمی‌گذارم از اینجا بروی تا اینکه رسوایت کنم». «ابوالبختری» (برادر ابوجهل) گفت: «این آذوقه از مال خدیدجه است و حکیم اکنون می‌خواهد آن را نزد خدیدجه ببرد. آیا از رساندن مال به صاحبش جلوگیری می‌کنی؟ راه او را باز کن!» اما ابوجهل همچنان سرسختی نشان می‌داد تا اینکه برادرش با او درگیر شد. (۳)

۱- انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۱۷.

۲- انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۷۲.

۳- السیره النبویه، ج ۱، ص ۳۷۹؛ تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۳۳۷.

ص: ۳۵

حضرت خدیجه (س) به ویژه در دوران محصور شدن بنی‌هاشم در شعب ابی‌طالب (سه سال)، اموالش را انفاق کرد (۱) و در همه سختی‌ها و رنج‌ها با پیامبر همراهی می‌کرد. همین همراهی خدیجه، مایه آرامش پیامبر در برابر آزارهای مشرکان بود. رسول خدا (ص) درباره حضرت خدیجه فرمودند:

خداوند بهتر از او (خدیجه) را به من نداد و او نخستین مؤمن به من بود؛ هنگامی که مردم مرا کافر می‌خواندند، او تصدیقم کرد؛ هنگامی که مردم مرا تکذیب می‌کردند، با اموالش از من حمایت کرد؛ هنگامی که دیگران مرا تحریم می‌کردند. (۲)

۱- تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۱.

۲- الاستیعاب، ج ۴، ص ۳۸۴.

ص: ۳۷

حضرت خدیجه و جریان زید بن حارثه

رسول خدا (ص) در بازار نوجوان زیبایی را دید که از عقل و ادب برخوردار است و درباره صفات خوب او با حضرت خدیجه سخن گفت و فرمود: «اگر نزد من مالی بود، او را می‌خریدم». (۱) حضرت خدیجه بهای آن نوجوان را پرسید. آن حضرت فرمود: «هفت صد [درهم]». (۲) خدیجه به «ورقه بن نوفل» گفت: «از مال من او را بخر». سپس آن حضرت فرمود: «با رضایت کامل آن را به من ببخش!» خدیجه فرمود:

ای محمد! من او را پاکیزه‌روی و خوب می‌بینم و دوست دارم او را به فرزندی بگیرم. می‌ترسم از اینکه او را بفروشی یا ببخشی.

۱- تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۰، ص ۱۳۷.

۲- اسدالغابه، ج ۲، ص ۳۵۱؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۹، ص ۳۵۲.

ص: ۳۸

پیامبر (ص) فرمود: «من او را به فرزندی می‌گیرم». سپس از مال خدیجه، «زید» را خرید و نزد ایشان آورد. (۱) «محمد بن حبيب» می‌گوید: «خود رسول خدا (ص) او را خرید و آزاد کرد و به فرزندخواندگی برگزید». (۲) بر پایه گزارشی دیگر، رسول خدا (ص) از خدیجه خواست پس از اینکه با او ازدواج کرد، زید را به وی ببخشد (۳) و پس از اینکه حضرت خدیجه زید را بخشید، آن حضرت او را آزاد کرد. (۴) بر پایه برخی از دیگر گزارش‌ها «حکیم بن حزام» او را برای عمه‌اش به چهارصد درهم خرید (۵) یا غلامانش را به وی عرضه کرد و او زید را برگزید. (۶)

۱- تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۰، ص ۱۳۷.

۲- المحبر، ص ۱۲۸.

۳- المعارف، ص ۱۴۴.

۴- الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۶۴؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۹، ص ۳۵۲؛ اسدالغابه، ج ۲، ص ۳۵۱؛ الاصابه، ابن حجر، ج ۲، ص ۴۹۵ با اختلاف در عبارات.

۵- الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۳۰؛ المعارف، ص ۱۴۴؛ الاستیعاب، ج ۲، ص ۱۱۵.

۶- السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۶۴.

ص: ۳۹

افتخار کردن به حضرت خدیجه

جایگاه و شأن حضرت خدیجه نزد مردم روشن و شناخته شده بود. از همین روی، هنگامی که «معاویه» پس از بیعت مردم با وی خطبه خواند و از علی (ع) و امام حسن (ع) یاد کرد، امام حسن (ع) برخاست و گفت:

ای کسی که از علی یاد کردی! من حسنم، پدرم علی بود و تو معاویه‌ای و پدرت صخر، مادر من فاطمه و مادر تو هند و جد من رسول خدا و جد تو حرب، جده من خدیجه و جده تو قتيله بود. [\(۱\)](#) جایگاه بلند حضرت خدیجه (س) سبب می‌شد که افرادی به انتساب به آن بانوی گرامی در

۱- الاربعون حدیثاً، ابن بابویه رازی، ص ۷۹.

ص: ۴۰

برابر مخالفان خود افتخار کنند. برای نمونه، «محمد بن حنفیه» در برابر «ابن زبیر» چنین منازعه می‌کرد:
 اگر پاس‌داشت مقام خدیجه دختر خویند نمی‌بود، درباره بنی‌اسد چیزهایی می‌گفتم و در برابر آسیب‌های برآمده از سخنانم صبر می‌کردم. (۱) «دینوری» می‌نویسد: هنگام رسیدن یزید ملعون به خلافت، «ابن زبیر» با «نعمان بن بشیر» والی مدینه خلوت کرد و به او گفت:

تو را به خدا سوگند به من بگو که من در نظر تو بهترم یا یزید. پدر من در نظر تو بهتر است یا پدر او. مادر من در نظر تو بهتر است یا مادر او. خاله من در نظر تو بهتر است یا خاله او. عمه من در نظر تو بهتر است یا عمه او؟
 وی گفت:

پدر تو زبیر، مادرت اسماء دختر ابوبکر، خاله‌ات عایشه و عمه‌ات خدیجه است.

ابن زبیر گفت: «به رغم این به من می‌گویی که با

ص: ۴۱

او (یزید) بیعت کنم!« نعمان گفت: «دیگر نزد تو نمی‌آیم». گفتنی است که حضرت خدیجه عمه زبیر بود نه ابن زبیر. [\(۱\)](#)

۱- اخبار الطوال، دینوری، صص ۲۶۳ و ۲۶۴.

ص: ۴۳

رحلت خدیجه (ع)

درباره زمان رحلت خدیجه دیدگاه‌های گوناگونی هست. برخی از مورخان، هنگامه مرگ او را یک ماه و پنج روز یا ۲۵ روز (۱) یا سه روز پس از درگذشت ابوطالب (۲) در دهم رمضان سال دهم؛ یعنی سه سال پیش از هجرت (۳) در ۶۵ سالگی دانسته‌اند. (۴) بدن پاک حضرت خدیجه را «ام‌ایمن» و «ام‌الفضل» همسر «عباس» غسل دادند (۵) و پیکر او را از خانه‌اش تا «حجون» در مکه تشییع کردند و رسول خدا (ص) به درون قبر همسرش رفت (۶) و برای او دعا کرد (۷)، اما آن

۱- انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۷۲.

۲- تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۵؛ تاریخ الصحابه، ابن حبان، ص ۹۲.

۳- الانباء فی تاریخ الخلفاء، ص ۴۷؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۵.

۴- الطبقات الکبری، ج ۸، صص ۱۴ و ۱۷۴.

۵- امتاع الاسماع، ج ۶، ص ۳۱.

۶- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۵.

۷- ینابع الموده، قندوزی، ج ۲، ص ۵۱.

ص: ۴۴

زمان نماز میت واجب نشده بود (۱) تا بر بدن وی نماز بخواند. هنگام مرگ خدیجه، ۴۹ سال و هشت ماه از عمر رسول خدا گذشته بود. (۲) سال دهم، در اثر این دو مصیبت (درگذشت حضرت خدیجه و ابوطالب) بر رسول خدا (ص)، سخت گذشت و «عام الحزن» نام گرفت. (۳) رسول خدا (ص) در آن سال فرمود: «نمی‌دانم برای کدام یک از این دو مصیبت بیشتر ناله کنم». (۴) این دو بزرگوار یار و یاور و پشتیبان پیامبر (ص) بودند؛ زیرا به پشتوانه نفوذ خود از آزار رساندن مشرکان به آن حضرت جلوگیری می‌کردند، اما پس از رحلت آن دو، آزارها و اهانت‌ها به آن حضرت آغاز شد و از این رو، می‌فرمود: «تا زمانی که آن بزرگواران زنده بودند، چنین جسارت‌ها بر من روا نمی‌آمد». فاطمه زهرا (س) پس از رحلت حضرت خدیجه، دامن پدرش را می‌گرفت و می‌گفت: «مادرم کجاست؟» جبرئیل فرمود: «بگو خداوند بزرگ برای مادرت در

۱- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۵؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۷۴.

۲- الانباء فی تاریخ الخلفاء، ص ۴۷.

۳- مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۱۵۰.

۴- تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۵.

ص: ۴۵

بهشت خانه‌ای از دُر و گوهر ساخته است». (۱) روایاتی از رسول خدا (ص) درباره مقام و منزلت خدیجه نقل شده است:
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ امْرَأَةٌ أَنْ ابْشُرَ خَدِيجَةَ بَيْتٍ مِنْ قَصَبٍ، لَا صَيْخَبَ فِيهِ وَلَا نَصَبَ. (۲) من مأمور شدم خدیجه را به خانه‌ای از دُر و لؤلؤ (بهشت) بشارت دهم که فریاد و دشنام و رنجی در آن نیست.

۱- تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۵؛ المغازی النبویه، زهری، ص ۴۵ با عبارت دیگر.

۲- المعجم الکبیر، ج ۲، ص ۱۸۸.

ص: ۴۷

یاد کردن پیامبر (ص) از خدیجه پس از رحلت او
پیامبر سال‌ها پس از مرگ حضرت خدیجه، همواره از او یاد و در یادش گریه می‌کرد و می‌فرمود:
خداوند بهتر از او را به من نداده است. او به من ایمان آورد؛ هنگامی که مردم کافر بودند، نبوت من را تصدیق کرد؛ هنگامی که
مردم تکذیب کردند، اموالش را به من سپرد؛ هنگامی که مردم مرا محروم می‌کردند. خداوند متعال از او به من فرزندان بخشید.
(۱) آن‌گاه که در جنگ بدر برای آزادی اسیران فدیه پرداخت می‌شد، زینب دختر رسول خدا (ص) برای آزادی همسرش
ابوالعاص بن ربیع پول و گردن‌بند مادرش خدیجه را فرستاد که در شب عروسی‌اش به

۱- الاستیعاب، ج ۴، ص ۳۸۴؛ الاصابه، ج ۸، ص ۱۰۳.

ص: ۴۸

او داده بود. رسول خدا (ص) با دیدن آن غمگین شد و به گریه افتاد و از خدیجه نام برد و بر او رحمت فرستاد (۱) و فهمید اگر زینب مال دیگری می‌داشت، آن گردن‌بند را نمی‌فرستاد و از این رو، به مسلمانان فرمود: «اگر می‌خواهید او را آزاد کنید و این مال و گردن‌بند را برگردانید». آنان نیز ابوالعاص را آزاد کردند و مال و گردن‌بند را باز فرستادند. (۲) بر پایه روایتی از عایشه، زنی سیاه‌چهره نزد رسول خدا (ص) آمد و آن حضرت او را پاس داشت و از دیدن او خوشحال شد. از او پرسیدم: «ای رسول خدا! [چرا] این زن سیاه‌چهره را چنین گرامی داشتی؟» آن حضرت فرمود: «زیرا این زن بارها نزد خدیجه می‌آمد». سپس فرمود: «حَسَنُ الْعَهْدِ مِنَ الْإِيمَانِ» (۳)؛ «نیک عهدی از ایمان است». رسول خدا با دیدن آن زن، حضرت خدیجه را در یاد می‌آورد و پاسداشت او را احترام به خدیجه می‌دانست.

همچنین هرگاه رسول خدا (ص) گوسفندی را ذبح می‌کرد، چنین می‌فرمود: «آن را برای دوستان خدیجه

۱- المغازی، ج ۱، ص ۱۳۱.

۲- السیره النبویه، ج ۲، ص ۳۰۸.

۳- انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۰۹.

ص: ۴۹

بفرستید که من دوستان خدیجه را دوست دارم». (۱) حضرت با این کار، خاطره آن بانوی فداکار را زنده نگاه می‌داشت. حضرت خدیجه از رسول خدا (ص) روایت‌هایی نیز نقل کرده است. (۲)

-
- ۱- صحیح بخاری، ج ۴، ص ۲۳۱؛ صحیح مسلم، مسلم بن حجاج نیشابوری، ج ۷، ص ۱۳۴؛ صحیح، ابن حبان، ج ۱۵، ص ۴۶۷.
 - ۲- ثقات، ابن حبان، ج ۳، ص ۱۱۴.

درس‌هایی از زندگی حضرت خدیجه

حضرت خدیجه (س) در همه زمینه‌ها الگوی زنان جامعه امروزی است؛ زیرا او به رغم گستردگی شرک در دوران جاهلیت و بعثت در مکه، از آلودگی‌های فرهنگی و اجتماعی برکنار ماند و توانست خود را از دید اعتقادی، فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی در آن بستر آلوده حفظ کند و با استواری در راه قله‌های کمال گام بردارد و با جوانی پاک و امین ازدواج کند و شوهرش را در راه اعتلای کلمه توحید و آیین جدیدش (اسلام) یاری رساند.

وی با سپردن اموالش به رسول خدا (ص) برای گسترش اسلام و کمک به مستضعفان خدمات ارزنده‌ای انجام داد. چند نمونه از درس‌های آن شخصیت بزرگوار به زنان جامعه امروزی بدین شرح عرضه می‌شود:

ص: ۵۲

الف) او بانویی شریف، آگاه و خردمند در روزگار خود بود و با پاک نگاه داشتن جسم و روح خود توانست از تیرگی فساد جامعه جاهلی بر کنار ماند. گفته‌اند که برخی از زنان مکه در روزگار جاهلیت بالای خانه‌های خود پرچمی می‌افراشتند و مردم را به خوش گذرانی و لهو و لعب فرا می‌خواندند، اما حضرت خدیجه (س) هیچ‌گاه با این زنان هوس‌باز هم‌نشین نمی‌شد و از آنان بی‌زاری می‌جست و به همین سبب او را در جاهلیت «طاهره» می‌خواندند.

زنان امروز نیز باید چنین بانویی را الگوی خود در زندگی برگزینند و در برابر تبلیغات دشمن که با ابزارهای گوناگون به گسترش فساد در جامعه می‌پردازد، استوار بایستند و از او درس طهارت روح و جسم، عفت و پاکدامنی بگیرند.

امروز به برکت دین اسلام و اهل بیت (علیهم السلام) و به برکت انقلاب اسلامی که بارقه‌امیدی بر همه جهانیان تابید، از هجمه‌های فرهنگی دشمنان اسلام می‌توان خود را حفظ کرد و همچون حضرت خدیجه در راه هدف خود پایدار بود و از گناهان در جامعه بی‌زاری جست.

ص: ۵۳

ب) خدیجه (س) دارایی فراوان خود را در قالب مضاربه به کار می‌گرفت و زمینه کار و کسب را برای افراد بی‌سرمایه فراهم می‌آورد این کار درسی برای ثروتمندان و تاجرانِ جامعه مسلمان است. آنان می‌توانند سرمایه خود را به جوانان پاک بسپرنند تا آنان افزون بر کسب روزی حلال، به کار سرگرم شوند و چرخ‌های اقتصادی جامعه را بچرخانند. متأسفانه امروزه افراد در جامعه کنونی به یکدیگر اعتماد ندارند تا پول و امکانات خود را به دیگران بسپرنند، اما با تربیت صحیح و عمل به آموزه‌های قرآنی و روایات می‌توان این اعتماد را به جامعه باز گرداند.

ج) حضرت خدیجه اموال فراوانی داشت، اما هنگامی که جوان پاک و بدون سرمایه‌ای همچون محمد (ص) را شناخت، به او پیشنهاد ازدواج داد. این روش نیکو را خانواده‌ها باید به کار گیرند و با آن مشکلات جوانان‌شان را حل کنند. اگر خانواده دختر یا پسر پاک‌دامنی را بیابد، بی‌هیچ مشکلی می‌تواند از او خواستگاری کند.

د) آن بانوی بزرگ (س) پس از ایمان آوردن به رسول خدا (ص)، اموال فراوانش را به آن حضرت سپرد

ص: ۵۴

و این کار نشان می‌دهد که ثروت ماندنی نیست، اما آن را برای پیشبرد اسلام می‌توان به کار گرفت و حتی با کمک همسر خود در کارهای خیر پیش گام شد.

ه) حضرت خدیجه همسرش را در مشکلات و رنج‌ها همراهی می‌کرد.

زنان این روزگار نیز همچون وی باید در رنج‌ها و مشکلات شوهرانشان را یاری دهند و با آنان همراه باشند.

و) رسول خدا (ص) با دیدن یادگاری از خدیجه یا دوستان او، از خدیجه یاد می‌کرد و غمگین می‌شد و بر او درود می‌فرستاد. چنانچه زن پاک‌دامن و باتقوایی که با دوستان یا همسایگان خود به خوبی رفتار می‌کند، از دنیا برود، دوستانش غمگین می‌شوند و اگر رفتار خوبی را از کسی ببینند، بی‌درنگ از او یاد می‌کنند و خاطره وی را به یاد می‌آورند و بر او درود می‌فرستند.

ز) رسول خدا (ص) دوستان خدیجه را به سبب خوبی آن حضرت گرامی می‌داشت. جامعه کنونی نیز به آموزه‌های دینی باید عمل کند. اگر دوست خوبی که انسان به او خوبی می‌کند، از دنیا برود،

ص: ۵۵

آدمی با خوبی کردن به دوستان او در واقع به دوست مرحومش خوبی می‌کند. چنین نیکوداشت‌ها در فرهنگ غنی اسلام بی‌پیشینه نیست و الگوپذیری از آنها جامعه را به سوی اخلاق پسندیده و نیکوی می‌برد.

ص: ۵۷

کتاب‌شناسی حضرت خدیجه

- کتاب‌ها و مقاله‌های زیادی درباره شخصیت حضرت خدیجه (س) نوشته شده که به برخی از آنها اشاره می‌شود:
- ص ام المؤمنین خدیجه بنت خویلد، نوشته عبدالمنعم هاشمی، بیروت، دارالبحار - دارالتیسیر؛
- ص حضرت خدیجه اسطوره ایثار و مقاومت، نوشته محمد محمدی اشتهااردی، تهران، مؤسسه انتشارات نبوی؛
- ص خدیجه بنت خویلد، نوشته محمد علی قطب، بیروت، دارالقلم؛
- ص حیات السیده خدیجه بنت خویلد من المهد الی اللحد، نوشته حسینعلی شرهانی، بیروت، مکتبه الهلال و دارالبحار؛
- ص ام المؤمنین خدیجه الطاهره، نوشته حسین شاکر، چاپخانه ستاره، ۱۴۲۱.

ص: ۵۹

کتابنامه

۱. الآحاد و المثانی، عمرو بن ابی عاصم، تحقیق: باسم فیصل احمد جواهره، دار الدرايه، ۱۴۱۱ ه. ق.
۲. الاخبار الطوال، ابوحنيفه احمد بن داود دينورى، تحقيق: عبدالمنعم عامر، قم، منشورات الرضى، ۱۳۶۸ ه. ش.
۳. اخبار مکه، محمد بن عبدالله ازرقی، تحقيق: رشدى صالح ملحس، مکه، دارالثقافه، ۱۴۱۵ ه. ق.
۴. الاربعون حديثا، منتجب الدين رازى على بن عبدالله بن بابويه، به اهتمام سيد جلال الدين طيب پور اصفهاني، به سرپرستى سيد محمدباقر موحد ابطحى، قم، مؤسسه الامام المهدي، ۱۴۰۸ ه. ق.
۵. الاستيعاب، يوسف بن عبدالله بن عبدالبر، تحقيق: عادل احمد عبدالموجود و ديگران، بيروت، دارالكتب العلميه، ۱۴۱۵ ه. ق.
۶. اسدالغابه، على بن محمد ابن اثير، بيروت، دارالفكر، ۱۴۰۹ ه. ق.
۷. الاصابه فى تمييز الصحابه، احمد بن على بن حجر تحقيق: عادل احمد عبد الموجود و ديگران، بيروت، دارالكتب العلميه، ۱۴۱۵ ه. ق.

ص: ۶۰

۸.

۹. اعلام الوری باعلام الهدی، علی بن فضل طبرسی، تحقیق: مؤسسه آل البيت، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۷ ه. ق.
۱۰. امتاع الاسماع، احمد بن علی مقریزی، تحقیق: محمد عبدالحمید النمیسی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰ ه. ق.
۱۱. الانباء فی تاریخ الخلفاء، ابن عمرانی، تحقیق: قاسم سامرائی، قاهره، دار الافاق العربیه، ۱۴۲۱ ه. ق.
۱۲. انساب الاشراف، احمد بن یحیی بلاذری، تحقیق: سهیل زکّار، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ ه. ق.
۱۳. الانساب، عبدالکریم بن محمد سمعانی، تحقیق: عبدالله عمر البارودی، بیروت، دار الجنان، ۱۴۰۸ ه. ق.
۱۴. البدء و التاریخ، مطهر بن طاهر مقدسی، مکتبه الدینیّه.
۱۵. البدایه و النهایه، ابوالفداء اسماعیل بن کثیر، تحقیق: علی شیری، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ه. ق.
۱۶. تاریخ الأئمه (المجموعه)، کاتب بغدادی به کوشش: سید محمود مرعشی، قم، مکتبه آیة الله العظمی مرعشی نجفی.
۱۷. تاریخ الأمم و الملوک، محمد بن جریر طبری، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، روائع التراث العربی.
۱۸. تاریخ الصحابه، محمد بن حبان، تحقیق: بوران الضناوی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ه. ق.
۱۹. تاریخ یعقوبی، احمد بن واضح یعقوبی، بیروت، دار صادر.

ص: ۶۱

۲۰.

۲۱. تاریخ قرآن، محمود رامیار، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۹ ه. ش.

۲۲. تاریخ مدینه دمشق، علی بن الحسن بن عساکر، تحقیق: علی شیری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ ه. ق.

۲۳. التعریف و الاعلام فی ما ابهم فی القرآن من الاسماء الاعلام، عبدالرحمن سهیلی، تحقیق: عبدالله محمدعلی علی القراط، طرابلس، لجنة التراث الاسلامی، ۱۴۰۱ ه. ق.

۲۴. جمهره انساب العرب، علی بن احمد بن حزم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۳ ه. ق.

۲۵. الخرائج و الجرائح، قطب الدین راوندی، قم، مؤسسه الامام المهدي، باشراف: سید محمد باقر موحد ابطحی، ۱۴۰۹ ه. ق.

۲۶. الخصال، محمد بن علی بن الحسین بابویه قمی (شیخ صدوق)، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، منشورات جامعه المدرسين، ۱۴۱۶ ه. ق.

۲۷. سنن، احمد بن شعيب نسائي، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۸ ه. ق.

۲۸. سيره ابن اسحاق، محمد بن اسحاق، تحقیق: سهیل زکار، قم، دارالفکر، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۰ ه. ق.

۲۹. السيرة الحلبیه، علی بن برهان حلبی، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۰ ه. ق.

۳۰. السيرة النبویه، عبدالملک بن هشام، تحقیق: مصطفی سقا و ابراهیم ایاری و عبدالحفیظ شلبی، بیروت، دارالقلم.

ص: ۶۲

۳۱.

۳۲. صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان، محمد بن حبان، (علاء الدین علی بن بلبان الفارسی)، تحقیق: شعیب الارنوط، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۴ ه. ق.

۳۳. صحیح البخاری، محمد بن اسماعیل بخاری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱ ه. ق.

۳۴. صحیح مسلم، مسلم بن حجاج نیشابوری، بیروت، دارالفکر.

۳۵. الصحیح من سیره النبی الأعظم، جعفر مرتضی عاملی، بیروت، دارالهادی، ۱۴۱۵ ه. ق.

۳۶. الطبقات الکبری، محمد بن سعد، تحقیق: محمد عبد القادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۰ ه. ق.

۳۷. کتاب الثقات، محمد بن حبان، حیدر آباد هند، دائرة المعارف العثمانیه.

۳۸. کتاب المغازی، محمد بن عمر واقدی، تحقیق: مارسدن جونز، بیروت، منشورات الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹ ه. ق.

۳۹. المحبر، محمد بن حبيب بغدادی، بیروت، دارالافاق الجدیده.

۴۰. مروج الذهب، علی بن الحسین مسعودی، قم، مؤسسه دارالهجره، ۱۴۰۹ ه. ق.

۴۱. المستدرک علی الصحیحین، محمد بن عبد الله حاکم نیشابوری، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه.

ص: ۶۳

۴۲.

۴۳. مسند احمد، احمد بن حنبل بیروت، دار صادر.

۴۴. المعارف، عبدالله بن مسلم بن قتیبه، تحقیق: ثروت عکاشه، قاهره، دارالمعارف.

۴۵. المعجم الكبير، سليمان بن احمد طبرانی، تحقیق: حمدی عبد المجید السلفی، قاهره، مکتبه ابن تیمیة.

۴۶. المغازی النبویه، محمد بن شهاب زهری، تحقیق: سهیل زکار، بیروت، دارالفکر.

۴۷. مناقب آل ابی طالب، محمد بن علی بن شهر آشوب، تحقیق: لجنه من اساتذہ النجف الاشرف، نجف، مطبعة الحیدریه، ۱۳۷۶ هـ.

ق.

۴۸. الهدایة الكبرى، حسین بن حمدان خصیبی، بیروت، مؤسسه البلاغ، ۱۴۱۱ هـ. ق.

۴۹. ینایع الموده لذوی القربی، سلیمان بن ابراهیم قندوزی، تحقیق: سید علی جمال اشرف الحسینی، اسوه، ۱۴۱۶ هـ. ق.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۵۲۳۵)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
 ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال
 دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان
 تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:
www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور
 کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی
 جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل
 و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق
 روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱
 ۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید
 ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده
 است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار
 شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،
 هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی
 اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از
 پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال،
 خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی
 همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش
 از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند
 آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

